

بسمه تعالی

ارز سلام خدمت شما اعضای محترم کمیسیون پزشکی

عذرخواهی میکنم اما الان به شدت استرس دارم و نمی توانم حرف بزنم، به همین دلیل سعی کردم این نامه رو بنویسم.

یکسری مشکلات وجود دارند که سعی کردم در این نامه به آن ها به طور کامل اشاره کنم، پس خواهش میکنم نامه رو تا انتها مطالعه کنید.

موضوعی که باعث شد من به کمیسیون پزشکی ارجاع داده بشم، تعریق شدید کف دست هست که اکثر اوقات وجود دارد و اذیتم می کند. تقریباً تمام برگه های امتحانی رو نمناک تحویل میدادم. این حالت در شرایط عادی وجود داره اما زمانی که در شرایط استرس قرار می گیرم، شدت اون چندین برابر میشه.

همزمان با استرس شدید، تپش قلبم هم خیلی بالا میره به طوری که خودم می توانم صدای تپش قلبم را بفهمم. بعد کم کم به نفس نفس می افتم و بعضی اوقات قسمت پایینی سینه ام هم درد می گیرد.

چندین بار، چند سال قبل به پزشک مراجعه کردم که نظر پزشک این بود که آدم شدیداً استرسی هستی و این شرایط رو معمولاً در اکثر اوقات تجربه می کنی و تنها راه خلاصی ازش دوری از استرس و در غیراینصورت مصرف قرص هست.

این حالت قبلاً کمتر بود اما از زمان کنکور که تقریباً میشه 4 الی 5 سال قبل، شدت مشکل چندین برابر شده. تا 2 الی 3 سال قبل روزی 2 الی 3 تا ایندرال و کلرودیازپوکساید استفاده می کردم. این بیماری روی غلظت خونم هم تاثیر گذاشته و غلظت خونم رو بالا برده که به همین دلیل هر 3 ماه میرم انتقال خون.

قسمت اصلی مشکل من از اینجا شروع میشه !

2 سالی بود که این حالتم بهتر شده بود تا اینکه دوباره مشکلات و بیماری های مادرم شروع شد. چربی خون بالا، دیسک گردن که به هزار مکافات اخیراً پول جمع کردم و عملش کردیم. خدا میدونه که به زور کار کردم تا پول عملش رو جور کنم. حتی برای تامین برخی هزینه ها با لیسانس رادیولوژی مجبور شدم مغازه تی بکشم.

مادرم سرگیجه شدید هم داره. پارسال من دانشگاه بودم و برادرم هم مدرسه بود. اومده بود بلند بشه، سرش گیج رفته بود خورده بود زمین و رباط پاش کشیده شده بود که همراهش قوزک را هم کشیده بود و تکه استخوان قوزک رو شکسته بود. وقتی اومدم خونه دیدم پاش ورم داره و به یک سختی بردیمش گچ گرفتیم.

موضوع بالا رو مطرح کردم تا بگم که من تا حالا کاراش انجام می دادم، یعنی معذرت میخوام حتی دستشویی هم بدون کمک من یا برادرم نمیتونه بره. حالا با این اوضاع قضیه سربازی هم 1 ساله جدی شده و تا حالا هرکاری کردم و به هر دری زدم که معاف شم اما هیچکس حتی انگار به حرفام توجه هم نمیکنه. فقط پاسم میدن اینور و اونور. در نهایت گفتن توی کمیسیون پزشکی مطرح کن، شاید اونجا تونستن کمکت کنن.

حتما می پرسید که بابام چکار میکنه

والا بابام خودش مریضه و نوبت آنژیوگرافی داره و باید بره آنژیو. تازه اگرم باشه کاری برای مادرم انجام نمیده اصلاً 4 ساله خدا میدونه با مادرم حرفم نزده. اصلاً در این مورد نمیشه به هیچ وجه روی اون حساب کرد. (مادر و پدرم اگه بمیرن هم صدای هم نمیزنن). مادر و پدرم به شدت مشکل دارن و خدا میدونه که اوضاع چقدر خرابه توی خونه ما.

خدا میدونه روزی که پام رو بزارم سربازی، مامانم یک هفته هم دوام نمیاره. اون روز خورد زمین، من که اومدم سریع بردمش بیمارستان ولی وقتی من نباشم کسی نیست ببرتش. آدمی که نمیتونه خودش به تنهایی دستشویی بره و قرصاش بخوره، چند هفته دوام میاره مگه؟

تا حالا من بودم، برادرمم که میخواست بره دانشگاه شهر دیگه، راحت میرفت اما حالا اون که میره، منم نیستم خیلی شرایط بد میشه.

خدا میدونه به هرکسی که میتونستم رو زدم التماس کردم که یکاری برام بکنه اما انگار نه انگار. کسی باور نمیکه همه خیال میکنن دروغ میگم اما خدا شاهده که یکی کلمه اش هم دروغ نیست.

نمیدونم شما تا چه اندازه باور کردید اما اگر باور نکردید و احساس میکنید، دروغ میگم هر طور که میگرد من مدرک بیارم اثبات کنم. خدا میدونه شرایطم به شدت نابسامانه. به قدری نابسامان که اگر خدای نکرده همین الان مامانم بمیره حتی پول کفن و دفنش هم نداریم و باید به دست و پا این و اون بیوفتم قرض کنم.

حالا ازتون خواهش دارم، اگر میتونین کاری برام انجام بدین. اگر امکانش هست راهنماییم کنید تا شرایط معافیت رو جور کنم. اگر کسی رو میشناسید که میتونه کمک کنه، خواهش راهنماییم کنید. خودم نه کسی رو میشناسم و نه کسی رو دارم که کمک کنه. این دیگه آخرین مرحله است و بعد از این مرحله باید اعزام بشم. آخری نفری که دارم برای کمک بهش التماس میکنم، شما هستین.

خدا شاهده به قرانی که قبول داریم، قسم که تنها 5 درصد ماجرا رو گفتم و 95 درصد رو فقط خدا میدونه.

خدا شاهده کمکی که می کنید دارید به پیرزن مریض میکنید که تمام چشم امیدش به ما هست تا کاراش انجام بدیم. تنها خواهشی که دارم اینه که خودتون رو بگذارید جای من و اگر امکانش هست کاری برام انجام بدید. خواهشا خواهشا.

نکته آخر اینکه رشته ام رادیولوژی و بعد از معافیت، میرم طرح توی بیمارستان و میتونم هزینه های درمان مادرم رو بپردازم.

MRI مامان و برخی دیگر از مدارک جزئی هم همراهم هست.

خواهش میکنم به آسونی از کنار حرفام رد نشید کلی به خودم فشار آوردم تا این نامه رو نوشتم.

ممنون که وقت گذاشتید و نامه رو خوندید.